

حزب در ایران

مطالعه در تاریخ احزاب ایران خواندنی است

ملك الشعراء بهار تاریخ مختصر احزاب سیاسی را نوشت و منتشر ساخت ، در این کتاب بهار دوستان سیاسی خود را مانند احمد قوام قهرمان آزادی بشمار آورد ، حق دوستی را مراعات کرد، او را بولالت مجلس رسانید ، ولی از دیده تاریخ نگاری مایل دقت است ؛! باید با احتیاط آن را قبول کرد ؛ چون بهار نویسنده توانا و شاعر ارجمندی بود ، دریغاکه در کتاب تاریخ احزاب سیاسی از جنبه بی طرفی بیرون آمد ؛!

شنیدن ماجرای احزاب در کشور ما سرگرم کننده است برای کسانی که در روحيات ملت مطالعه دارند درس آموزنده ای بشمار میرود ، در این باره میتوان کتابها نوشت که از کتاب حاجی بابا شیرین تر باشد همه میدانیم از آغاز مشروطیت حزبها آشکارا تأسیس گردید ؛ روزنامه های کوچک و بزرگ بنام ارکان حزب راه انداختند ؛ در هر کوچه و بازار تابلوها با شعارهای فریبنده نصب گردید ؛ همه می خواستند بنان وآبی مقامی برسند ؛! مردم نادان کوسفندوار بسوی هوچیمان سیاسی راه افتادند ؛! رئیس دسته یا حزب نتیجه ای می گرفت حزب یا انجمن تعطیل می گشت ؛ تا دوباره انجمنی یا گروه دیگری بنام حزب تشکیل میشد ؛ مردم هم در تمام انجمنها و احزاب اسم نویسی می کردند ؛ هر کدام رنگین تر بود جمعیتش بیشتر میشد ؛!

درست بخاطر دارم چند سال پیش کمسیون داشتیم پیش خدمت کارتی را نشان داد نام شخصی را که زیر نام آن نوشته شده بود : مدیر روزنامه رهبر جمعیت ... اخلاق ؟! صاحب کارت باطابق کمسیون دعوت شد پس از تحقیقات معلوم گردید که روزنامه اش در عالم خیال است ؛! جمعیت او هم بنا باعتراف خودش چند نفری بیش نبودند ؛! برای مبارزه و تبلیغات انتخاباتی ادوار گذشته بهر جا می رفتند ؛ سورها می خوردند و شکم چرانیها می کردند ؟ خود را نخود هر آشی ساخته بودند ؛! در پایان گفتار خود را کاندیدای شکست خورده ی وکالت تهران جا میزد ؛! قیافه وی چنان مینمود که خدمت نظام وظیفه را انجام نداده بود ؛! این جوانک بخود حق میداد بابی مایه گی خود را چنان واجد صفاتی بداند ؟! براستی در کشوری که چند نفر خیال باف بعد از وقایع

شهریور ۳۲۰ دور هم جمع شدند مردم را بازیچه هوا و هوس خود ساختند با زنده باد و مرده باد گفتن جامعه‌ای را مشغول و سرگرم کردند نزدیک بود که شیرازه استقلال کشور گسیخته گردد تا خدای ایران قیام ۲۸ مرداد را فراهم ساخت ، تمام آن هوس های کودکانه و جنون آمیز نقش بر آب شد ! این گونه مردم جاه طلب و بی تجربه چرا بخود حق میدهند که رهبر و پیشوای جامعه گردند !!

چنانکه بارها دیدیم گروهی از مردم جاه طلب و خودرو برای احراز مقام و جاه دسته‌ای را آلت اغراض خود ساخته احزابی بنامهای توانون بامرام‌های فریبنده تشکیل میدادند جمعیتی از مردم ساده را گول زدند متینک‌ها میدادند ، نطق‌ها میکردند سخنانی می‌گفتند که در قوطی هیچ عطاری یافت نمیشد ؟ تا آنکه سران آنان نتیجه گرفته و جمعیت و حزبشان هم بلافاصله پاشیده میشد !!

این گونه رهبران دروغی را که جامعه سالیان درازی بود محکوم ساخته بود میخواستند رهبر اخلاقی و اجتماعی و سیاسی کشور شوند ؟! بهمین منظور جلساتی تشکیل دادند !! عربده‌ها میکشیدند !! خیالات خام خود را در معرض پندار کوتاه خردان قرار میدادند بیچاره مردمی که زهبران‌شان کلاغ باشد ؟!

قرنها است که مردم ایران باندیشه‌های مثبت و مردان و زنان فداکار نیازمند است ، بساط سالوسی و ریاکاری دیگر نباید تجدید گردد ! مردم رنج دیده و زحمت کشیده زیر بار این گونه تشکیلاتی که امتحان و رشکستی خود را بارها داده‌اند نخواهد رفت ! ممکن است هر روز نگرانی های اقتصادی زیادتر شود بیاید اینگونه دکان دسته‌بندی و عوام فریبی را که ممکن است از بیگانگان و دشمنان کشور مایه و الهامش برسد تخته‌کنید ، آنان که بعد از وقایع شهریور ۱۳۲۰ با ایجاد دسته‌بندی‌ها و احزاب سست ماهیت خود را نشان دادند، برای بدست آوردن قدرت و مقام مانند مردم هر جایی هر روزی در دامان سیاست بیگانه‌ای مشغول طنازی و خود آرائی بودند باید بدانند که افکار عمومی آنان را نمیخواهد ؟! دیگر نمی‌توانند با هوچی‌گری و لیکندهای سیاسی مردم را بدور خود گرد آورند و مکتب عوام فریبی را تجدید نمایند بعقیده من برای مبارزه با کسانیکه میکروب اجتماعی کشور بشمار میروند هیچ راهی بهتر و خردمندانه‌تر از تعلیم و تربیت درست نیست باید از روی یک متد درست و دقیق مطابق آخرین روش آموزش و پرورش دنیا بنا بمقتضیات و اوضاع و احوال محیط باید فساد را از بین برد نسل معاصر را از بدبینی و هوچی‌گری و لاابالی‌گری و بی وطنی نجات داد ؟!

چنانکه همه میدانیم قدیم ترین احزاب زنده دنیا در انگلستان است عادت انگلیسی‌ها بر این نیست که همان جور که آدمی پیراهن

خود را عوض میکند بسهولت و آسانی از حزبی به حزب دیگر منتقل گردند !!

بلکه تنها در موقع ضرورت خیلی مبرم که ایمان راسخ پیدا کنند که با انتقال مزبور بهتر می‌توانند خدمت بوطن کنند ممکن است از حزبی به حزب دیگر منتقل گردند در حقیقت حزب در حکم مدرسه‌ای است که زنان و مردان سیاسی و اجتماعی و اقتصادی پرورش می‌کند. گاندی، نهرو، محمدعلی جناح از پرورش شدگان و بنیاد گذاران حزب در هند و پاکستان می‌باشند.

در اینجا بی‌مناسب نیست بنزاکتی که مابین احزاب انگلیس رعایت میگردد و مستربال فور نخست وزیر انگلستان در سال ۱۹۰۲ در یکی از نطق‌های خود ذکر نمود در زیر اشاره شود. ایشان چنین گفته خوی اعتدال و میان‌روی که در میان ملت انگلیس موجود می‌باشد با و کمک مینماید که در عین حال که با دشمن سیاسی خود در مبارزه است بهیچ وجه نامناسب و توهین آوری از او نکند چه يك نفر مرد سیاسی انگلستان عیناً مانند وکیل دادگستری در پیشگاه محکمه است که هر کدام بدرستی عقیده خود معتقد است و باکمال شهامت از آن دفاع می‌کند ولی هیچکدام از آنان از اصول ادب و نزاکت بیرون نمی‌روند و بهیچوجه بهمديگر ناسزا نمی‌گویند و چون از اطاق محکمه بیرون آمدند با هم با یکدیگر دوست و رفیقند.

تاریخ معاصر نشان میدهد حزب هندوستان در برابر قدرت بریتانیا پنجاه سال ایستادگی کرد تا در جنگ دوم جهانی استقلال یافت هند و پاکستان هر کدام پیرو رهبران احزاب خود شدند تا موقعیت سیاسی خود را در دنیا استوار کردند.

چیزی که بیشتر باعث موفقیت رؤسای احزاب انگلیس گشته و موجب شده است که بتوانند این وظیفه مهم و خطیر را باین خوبی انجام دهند اخلاص و ایمانی است که افراد حزب با آنها دارند و تقریباً اطاعت و انقیاد این افراد نسبت به لیدر حزب بهمان درجه اطاعت سرباز از فرمانده و افسر خود می‌باشد و آنان معتقدند که باید کورکورانه از لیدر حزب اطاعت کرد و بی‌اندازه از مخالفت با او نفرت دارند.

در برابر این علاقه و اخلاصی که افراد حزب نسبت برئیس خود دارند. رئیس بتمام معنی مقررات حزب را احترام میگذارد و در هر قضیه با رؤسا و برجستگان حزب مشورت مینمایند ولی همه این ترتیبات کوچک‌ترین اثری در آزادی عقیده و پایداری رؤسای حزب بآن چیزی را که حق و حقیقت میدانند ندارد. و اگر احیاناً یکی از آنان در امری دارای عقیده‌ای مخالف عقیده حزب خود باشد هیچگاه در صدد بر نمی‌آید که اختلاف در میان افراد حزب اندازد و بلکه تنها کاری می‌کند که این است از حزب کناره‌گیری می‌کند. تا آنچه را که حقیقت می‌پندارد دنبال کند در ترکیه آتاتورک حزب تأسیس کرد، مردان و زنان فداکار پروانه‌وار در حزب خلق ترکیه شرکت کردند کشور گسیخته و آشفته عثمانی را بنام ترکیه جوان زنده ساختند.

اکنون هم بزرگان سیاسی ترکیه از پرورش شدگان حزب خلق بشمار می‌روند و نام آتاتورک بنام بنیادگذار نوین ترکیه جوان در کتابها و دفتر زمانه ثبت و جاوید است ، شاهنشاه فقید ما چون بزرگان کشور را خوب شناخته بود و میدانست کالای عوام فریبی و هوچی‌گری آنان ملت را سرگردان می‌سازد حزبی در ایران تأسیس نکرد شخصاً زمام کشور را در دست گرفت و ایران نوین را بنانهاد هنوز مردم ایران بیاد ناجی خود هستند و او را قهرمان ایران میدانند .



ژوئیه‌شگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی